

کبد انسان در ارتباط مستقیم با رفتار و مزاج و طبایع قرار دارد

نویسنده: حکیم رضی

گرم و خشک " گرم و تر "، " سرد و خشک " و " سرد و تر " و یکی نیز " معتدل " که رویهم رفته 9 قسم **مزاج** بوجود می آید.

هرگاه یکی از این اخلاط چهارگانه از حدود میزان خود بیشتر شود علائم و آثاری در شخص پدید می آید که ناشی از اثر آن خلط می باشد. در غلبه صفرا مزاج، را " صفراوی "

در غلبه خون دموئی "

در غلبه بلغم بلغمی "

پرتال جامع علوم

مجموعه بزرگ اشکات اشکات در انبیا علوم

اگر سبب از زیادی " بلغم " باشد نشانه آن سفیدی و نرمی و سستی پوست، ضعف هضم، آروغ ترش، زیادی **خواب**، گندی حواس، برآمدن لعاب دهان و **آب** بینی رقیق و غیر سوزان است.

اگر سبب از زیادی " سودا " باشد نشانه آن لاغری و سیاهی بدن، سیاهی و غلظت خون، سوزش سر معده، اشتهای کاذب و تفکر زیاد می باشد.

" رطوبت تری و سستی عضو است. " باد " بخاریست که از اخلاط مستولی می شود. بر حسب تأثیری که مواد خوراکی یا دارویی در بدن می گذارند.

آنها را به " گرمی " و " سردی " تقسیم نموده اند:

پیشینیان معتقد بودند

مواد غذایی پس از تغییراتی در دستگاه **گوارش** در **روده** مانند **کشکاب** شده در این هنگام **عروق** **ماساریقا** مواد لازم آن را جذب می کند و به کبد میبرد. **کبد** در اثر اعمال طبیعی خود آن را می پزد.

و مستحیل به مواد دیگری بنام " صفرا "، " **خون** "، " بلغم " و " سودا " می کند.

" صفرا " طبیعی " گرم و خشک " دارد (چون آتش)

" خون " طبیی " گرم و تر " دارد چون (هوا)

" بلغم " طبیعی " سرد و تر " دارد (چون **آب**)

" سودا " طبیی " سرد و خشک " دارد (چون خاک)

آنان اعتقاد داشتند

از اختلاط و امتزاج این خلطها طبیعت یا **مزاج** بوجود می آید و صحت و سلامت بدن منوط به **تعادل** آنهاست.

در طب کهن

مزاج بر چهار نوع است: گرم، سرد، تر و خشک، گاه دوتای از اینها غالب و دوتای دیگر مغلوب می گردد.

از آمیزش و ترکیب کم یا زیادی اخلاط در بدن چهار نوع **مزاج**

دیگر نیز پدیدار می شود که عبارتند از:

روی اعمال شیمیایی بدن از هم متمایز می گردند اعمال شیمیایی بر چهار گونه است که متابولیسم بدن را تشکیل می دهند.

اول: آنابولیسم،

یعنی اعمالی که توسط آن مواد غذایی به انسان زنده تبدیل می گردد.

دوم و سوم: کاتابولیسم

یعنی اعمالی که توسط آن انساج زنده تولید نیرو می کنند، عمل کاتابولیسم مربوط به اعضای تنفس است که عمل تهویه بدن به آن مربوط می باشد.

کبد که تهیه مواد قندی و دفع مواد سمی را به عهده دارد در عمل کاتابولیسم شرکت می نماید.

چهارم:

عمل دفع مواد مضره و خروج آنها از بدن است.

تفوق

یکی از این اعمال چهارگانه که از راه وراثت در بدن انسان ثابت شده باشد، انسان را دارای صفات و واکنش های ثابتی می نماید که آن را سرشت می نامند.

مزاج عبارت است

از وضع فیزیولوژی فعلی و طرز واکنش آنکه قابل تغییر نیز می باشد به این جهت فقط با علائم فیزیولوژی که آن هم قابل تغییر است شناخته می شود.

داروهائی که هیچ تاثیری در بدن نمی گذارند، معتدل

2- داروهائی که اثر کمی ظاهر می سازند، درجه اول

3- داروهائی که اثر زیاد ظاهر می سازند، درجه دوم

4- داروهائی که اثر زیادتر ظاهر می سازند، درجه سوم که اسباب

زحمت می گردند

5- داروهائی که اثر بسیار ظاهر می سازند **خطرناک** تلقی می شوند

برای اینکه معنی کاملی از مزاج در ذهن روشن شود، باید دانست که هر کسی استعداد پذیرش بعضی از بیماری ها را دارد و در مقابل بعضی مقاوم است.

با علم به این کیفیت، مزاج عبارت است:

از طرز واکنش شخصی در مقابل عوامل مرضی، در طرز واکنش اشخاص، بعضی واکنش ها ثابت است و بیشتر مشاهده می شود، برخی واکنش ها متغیر است از این واکنش ها مزاج فرد را می توان شناخت.

برای تعریف مزاج،

بیشتر عمل فیزیولوژی را مورد نظر قرار می دهند، زیرا وضع دینامیک یعنی طرز عمل احشاء و اعضاء در تغییر مزاج مؤثر است با وجود اینکه اعمال حیاتی را نمی توان از هم جدا دانست.

اگر عضوی نسبت به سایر اعضاء بیشتر کار کند و یا عملی در دستگاه بدن انسان از سایر اعمال بیشتر انجام پذیرد،

آن عضو از نظر تشریحی و آن عمل از نظر فیزیولوژی، می تواند معرف نوع مزاج شمرده شود.

در میان اعمالی که حیات انسان به آنها متکی است، اعمال شیمیایی بیشتر از اعمال فیزیکی مورد اهمیت است. بنابراین مزاجها

حال اگر صاحب مزاجی دارای متابولیسم بازال بالاتر از طبیعی باشد آن را گرم مزاج و اگر فردی دارای متابولیسم بازال پایین باشد سرد مزاج و حد واسط آن را مزاج معتدل گویند.

هر دارو یا غذا و نیز هر واکنشی که باعث بالا رفتن کار غده تیروئید باشد آن را گرم و اگر باعث پایین آمدن کار غده تیروئید باشد آن را سرد گویند.

مزاجی را رطوبتی نامند که مقدار زیادی آب در سلول‌های بدن آن فرد جمع شده باشد و به اصطلاح رطوبت بر مزاج غلبه کرده باشد.

اگر مقدار مواد کانی و املاح در مزاجی زیاده‌تر از معمول جمع شده باشد که آن را مزاج خشک گویند.

پیدایش مزاج‌های مختلف در حقیقت عبارت است از عکس‌العمل بدن نسبت به عوامل خارجی، این جمله (عکس‌العمل بدن نسبت به عوامل خارجی) همان مبحث بزرگ، حساسیت مصونیت، آنافیلاکسی و آلرژی و غیره است.

دانشمندان قدیم معتقدند که هر کس به واسطه حالت و وضع بدنی خود یعنی مزاجی که در اختیار دارد، آماده پذیرش یا دفع بیماری مخصوص به خود می‌باشد و برای معالجه آن فرد لازم است که «مزاج او شناخته شود» شناخت مزاج‌ها روی هم رفته به قرار زیر است:

1- مزاج گرم، مزاج سرد، مزاج تر، مزاج خشک که این چهار مزاج را مزاج‌های ساده و منفرد گویند.

2- مزاج‌های ساده و مرکب، که عبارتند از مزاج گرم و تر، گرم و خشک، سرد و تر و مزاج سرد و خشک.

3- مزاج دمیوی (ریوی) مزاج صفراوی (کبدی) مزاج بلغمی

(هاضمه ای) مزاج سوداوی (عصبی)

لذا برای شناخت ارزش هر کس و معرفت به احوال و اوضاع او، باید قبلاً شکل خارجی او که حاکی از سرشت و ساختمان اوست در نظر گرفته شود مثل قد، اندام شکل، سر و گردن، چاقی و لاغری، سپس مزاج او که به وضع کنونی دلالت دارد مورد توجه قرار گیرد.

برای این کار علاوه بر علائم ظاهری بایستی از تجزیه خون - ادرار و رادیوگرافی و غیره نیز استمداد طلبید.

تغییرات مزاج در طب با رژیم غذایی، بهداشت، کار و مسکن، آب و هوا متوافق است. لذا با رعایت آنها انحراف مزاج از سلامت به سوی بیماری را می‌توان پیشگیری نمود.

مزاج ممکن است گرم، سرد، خشک، و رطوبتی باشد که گرمی را به علت وجود انرژی و سردی را به علت تفرق و ضعف، رطوبت را به علت جمع شدن مایعات در سلول‌های بدن و خشکی را بیانگر حالاتی از ماده دانی می‌دانند. می‌دانیم که فعل و انفعالات شیمیایی بدن تحت نظر مستقیم سلسله اعصاب نباتی و غدد مترشحه داخلی انجام می‌گیرد، هر اختلاف و نارسایی که در بدن پیدا می‌شود مربوط به کم یا زیاد کار کردن این دو دستگاه می‌باشد.

هورمونه‌های «1» متعددی که این دستگاه‌ها ترشح می‌کنند بدن را به کار مربوطه وادار می‌سازند. پس بروز هر عمل حیاتی توأم با یک سلسله فعل و انفعال شیمیایی است و تقریباً کلیه فعل و انفعالات شیمیایی در داخل بدن ایجاد حرارت می‌کند.

هر قدر فعل و انفعالات شیمیایی بدن سریع‌تر انجام شود حرارت ایجاد شده زیاد است و اندازه گیری این انرژی ایجاد شده به وسیله متابولیسم بازال انجام می‌گیرد و نیز می‌دانیم که متابولیسم بازال مربوط به کار غده تیروئید است.

این چهار مزاج

را مزاج‌های مادی گویند و یک مزاج معتدل نیز شناخته شده است که با این توصیف جمعا 13 مزاج وجود دارد.

مزاج‌های مادی مانند مزاج‌های ساده، مرکب هم می‌باشند از این‌رو مزاج بلغمی خونی و مزاج صفراوی عصبی مزاج عصبی خود به دو قسمت تقسیم می‌شود، عصبی ضعیف و عصبی قوی نیز گفته اند.

که کار کرد کبد و امراض آن از اینجا خود را عیان می‌سازد چرا که کبد کارخانه ای در بدن است که این مدیریت در رابطه مستقیم با خشم و نفرت و انزجار و از طرفی سرور و آشتی و محبت و افکار سالم و ناسالم میباشد

تحقیقات نشان داده است که 99٪ درصد از مبتلایان به امراض کبدی در افکار یکی از گزینه های فکری ناسالم بخصوص خشم و کینه و امثالهم را در خود داشته و ریشه "بیم آری" اکثریت در این موارد نهفته است

پس رابطه اعراض نفسانی و مزاج و کیفیات و اثر فاعله آن بر کبد بسیار روشن و اظهر من الشمس میباشد.

بیشتر بدانید

کبد علاوه بر تنظیم بسیاری از مواد خون، مواد زاید را به صورت صفرا وارد روده می‌کند. غده های عرق که ضمن کمک به تنظیم دمای بدن، مواد زاید را به صورت عرق بیرون می‌ریزند.

4 ریه ها، دستگاه مبادله اکسیژن و دی اکسید کربن گاز حیاتی اکسیژن را با

حرکات منظم قفسه سینه وارد خون می

سازد و زیادی گاز دی اکسید کربن را به

بیرون از بدن می فرستد. آدمی بدون

غذا روزها و بدون آب ساعتها می‌تواند

زنده بماند اما بدون اکسیژن نمی‌تواند

چند دقیقه دوام بیاورد.

منابع:

راز درمان (رساله ای در پزشکی سنتی و گیاه درمانی)؛ ج 1؛

ص 23

صانعی، صفدر، نسخه شفا - گل و گیاه، جلد، حافظ نوین - تهران، چاپ: شانزدهم، 1386 ه.ش.

مجموعه بزرگ اشکات اشکات در آیات علوم